

تحلیلی بر فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری تبریز)^۱

سید جواد حبیب‌زاده کوزه کنانی^۲، اکبر عبدالله‌زاده طرف‌*^۳، حسن ستاری ساربانقلی^۴، محمدرضا پاکدل فرد^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۶

نوع مقاله: پژوهشی

صفحه ۹۷ تا ۱۱۱

چکیده

حس مکان اشاره به رابطه فرد با محیط و رابطه حسی بین فرد و مکان دارد و در فرایند شکل‌گیری آن، سطوح و جنبه‌های مختلف حسی و تجربه‌ای مکان از حضور و احساس کالبدی تا تعهد و مشارکت در مکان تأثیرگذار هستند. در این راستا، با توجه به اهمیت تحقق حس مکان در فضاهای مختلف شهری و دستیابی به سطوح نهایی حس و تجربه مکان، هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل سطح (حسی و تجربه‌ای) فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز است. روش تحقیق در مطالعه حاضر، آمیخته (کمی - کیفی) باهدف کاربردی و ماهیت تحلیلی - اکتشافی است که به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده شده است. قابل ذکر است که جامعه تحقیق نیز شامل ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز (منطقه ۸ شهرداری) است که حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با بررسی سطوح حس و تجربه مکان در بافت تاریخی، مشخص می‌شود که فرایند شکل‌گیری حس مکان در این محدوده در بخش‌های میانی متوقف گردیده و سطوح نهایی حس و تجربه مکان یعنی یکی شدن با مکان، تعهد به مکان، مشارکت در مکان، تجربه عمیق و سرشار از معنا به ندرت در شهروندان تحقق یافته است. همچنین نتایج مدل ساختاری حاکی از آن است که سطوح تجربه مکان با مقدار بحرانی ۲/۴۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای تحقق نسبی بوده، در حالی که سطوح حس مکان با مقدار بحرانی ۰/۹۵ نشان از عدم تحقق‌پذیری سطوح و مؤلفه‌های آن دارد؛ بنابراین، در راستای احیاء و بازآفرینی بافت تاریخی تبریز نیاز به رویکردهای منسجم در ابعاد مختلف به منظور ارتقا حس و تجربه مکان احساس می‌گردد.

واژگان کلیدی: ادراک ذهنی، تجربه مکان، بافت تاریخی، معادلات ساختاری، شهر تبریز

^۱ مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دکتری شهرسازی تحت عنوان فرایند شکل‌گیری حس مکان در محدوده‌ی تاریخی (نمونه موردی: بافت تاریخی تبریز) با همکاری نویسندگان می‌باشد.

^۲ دانشجوی دکتری گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۳ استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

^۴ دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

^۵ استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۱. مقدمه

در حقیقت مکان بخشی از فضا است که به واسطه‌ی عناصر و عواملی مشخص و متمایز، صاحب هویتی منحصر به فرد و تکرارناپذیر می‌شود و خاطره‌سازی و حس دل‌بستگی به مکان را منتج می‌گردد؛ بنابراین، مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن است (Cresswell, 2014: 25). انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود (Brocato, 2006: 11)؛ بنابراین مکان، جایی است که ما در آن ادراک کاملی از هستی و بودن خود داشته باشیم. همچنین انسان از مکان‌های متفاوت تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر روی ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان‌ها و خاطرات افراد است که علاوه بر ساختار کالبدی مکان در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است (سالاری پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶)؛ بنابراین می‌توان عنوان کرد که مکان زمینه‌ای برای فعالیت‌ها است و عموماً دارای هویت شناختی بوده و دربرگیرنده‌ی عوالم اجتماعی متنوع و دارای تاریخی است که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد (Seamon and Gill, 2016: 30). از این‌رو، معنا سازی مکان از طریق حافظه و عواطف تقویت شده بر اثر مواجهه‌ی مکرر با محیط و تداعی‌های پیچیده حاصل از این فرآیند پیش می‌رود (قلعه‌نویی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۸) و در نهایت تجربه‌ی شخصی و تداعی ذهنی حاصل شده موجب شکل‌گیری حس مکان در افراد می‌گردد که این امر لذت بهره‌مندی از مکان را افزایش می‌دهد؛ بنابراین، حس مکان از طریق پیوند انسان و محیط و به‌منظور بهره‌مندی و تدویم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد و باعث می‌گردد انسان خود را جزئی از مکان بداند (سرمست، ۱۳۸۹: ۱۳۷). همچنین حس مکان جنبه‌ای ذهنی از رابطه‌ی میان انسان و مکان و به عبارتی رابطه‌ی عاطفی شخص با مکان را شکل می‌دهد (Lee and Shen, 2013: 78; Madgin, 2016: 677). نتیجه‌ی نهایی حس مکان نیز شکل‌گیری تعلق به مکان بوده که سطح بالاتری از حس مکان را شامل می‌شود که به‌منظور بهره‌مندی و تدویم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (کاملی و عظمتی، ۱۴۰۰: ۲۵۹)؛ بنابراین می‌توان گفت حس مکان، نقش مهمی در دل‌بستگی افراد به مکان و ایجاد فرآیندهای مشارکتی

و اجماع‌پذیری برای حرکت توسعه‌ای و حل و فصل تعارض‌ها دارد و از ضرورت‌های برنامه‌ریزی و طراحی شهرها به شمار می‌رود (Chaskin et al, 2012: 864). همچنین با توجه به اینکه هدف از برنامه‌ریزی شهری ایجاد مکان‌های مطلوب برای زندگی است؛ در نظر گرفتن ابعاد و معیارهای مختلف در طراحی و ارتقای حس و تعلق مکانی در ساکنان ضرورتی اجتناب‌ناپذیری است. در این راستا، ضروری است تا فرایند شکل‌گیری حس مکان با توجه به زمینه‌ها و بسترهای مکان مدنظر قرار گیرد تا از بی‌هویتی مکان و بی‌حسی مکان جلوگیری به عمل آید. با توجه به اهمیت حس مکان در بافت‌های شهری و ضرورت تأکید بر فرایند شکل‌گیری حس مکان، هدف از تحقیق حاضر بررسی فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز بوده تا با شناخت روندهای موجود و نقاط ضعف منطقه به ارائه راهکارهایی اجرایی در راستای ارتقای بافت تاریخی شهر نائل آییم. بافت تاریخی شهر تبریز همچون سایر شهرهای ایران، آثار گران‌بهایی از فرهنگ، دانش معماری و شهرسازی بومی است و به‌عنوان جزئی از هویت اجتماعی شهر تلقی می‌گردد. این منطقه از تبریز به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی از اهمیت فراوان برخوردار است و در آن انواع بناها و معماری تاریخی و فرهنگی از جمله خانه‌ها و سراهای تاریخی بی‌شماری جای گرفته‌اند. بافت تاریخی شهر تبریز به رغم پیشینه‌ی درخشان، امروزه با مشکلات پیچیده و متعدد ناشی از بی‌هویتی شهر معاصر در بستر جهانی شدن که از یکسو زندگی شهری را از جنبه‌های متعالی معنوی تهی کرده و از سوی دیگر گذران روزمره‌ی زندگی شهروندان را با دشواری همراه کرده است، روبه‌رو است. از این‌رو، برنامه‌ریزی و طراحی مناسب این بافت با بهره‌مندی از رویکردهای مناسب بازآفرینی در راستای دستیابی به مکانی با هویت و تقویت حس مکانی و تعلق به آن در شهروندان احساس می‌گردد. با توجه به اهداف مطرح‌شده، پاسخگویی به سؤال زیر اساس کار پژوهش حاضر است:

- فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز از منظر تحلیل سطوح حسی و تجربه‌ای به چه صورتی است؟

۲. پیشینه تحقیق

همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی به تحلیل عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به ترتیب مؤلفه‌های فضایی - عملکردی، ادراکی - معنایی و کالبدی - فیزیکی هستند. همچنین گورگیل^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان فرهنگ‌گرایی: حس تعلق مکانی مهاجران وارد شده به مناطق شهری چین به این نتایج دست یافته‌اند که توسعه شهری اخیر چین بجای تأکید بر قابلیت زندگی بیشتر بر بقاء متمرکز بوده و شاخص‌های زیست‌پذیری و به تبع آن حس تعلق مکانی در استراتژی‌های توسعه شهری نادیده گرفته شده است؛ بنابراین علاوه بر تأکید بر معیارهای اقتصادی، با تقویت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در محیط‌های ساخته‌شده می‌توان مقدمات حس تعلق به مکان و زیست‌پذیری را برای مهاجران فراهم نمود. مک‌کان و گیفورد^۲ (۲۰۱۸)، در تحقیقی به یافتن ارتباط میان حس مکان به‌عنوان (ساختاری چندبعدی) و جهت‌یابی فضایی پرداخته‌اند. نتیجه‌ی پژوهش چنین است که افرادی که حس مکان قوی‌تری دارند، در به یادآوری ویژگی‌های فیزیکی، به‌ویژه یافتن مسیرها و شناسایی نشانه‌ها موفق‌تر بوده و هنگام جهت‌یابی و آدرس‌دهی به صورت شفاهی، اطلاعات ذهنی بیشتری از محیط را به یاد می‌آورند. گامبا و کاتاکین^۳ (۲۰۲۱)، در پژوهش خود تحت عنوان آیین‌های در ایجاد فضاهای خاطره‌آمیز و ارتقای حس مکان، شهر ژنو را مورد بررسی قرار داده‌اند. باتوجه‌به نتایج پژوهش آیین‌ها نقش محوری در ایجاد حس مکان در شهر ژنو ایجاد کرده‌اند. انجام مراسم و آیین‌ها در فضاهای شهری همراه با مشارکت شهروندان موجب گسترش ارتباطات اجتماعی و به تبع آن ارتقای حس تعلق به مکان شده است. کیم^۴ و همکاران (۲۰۲۳)، نیز در پژوهشی تحت عنوان حمایت از سیاست بازآفرینی شهری در بافت‌های تاریخی به این نتایج دست یافته‌اند که بازآفرینی علاوه بر رونق اقتصادی بافت‌های تاریخی، موجب تقویت حس مکان در ابعاد هویت، تعلق و وابستگی می‌گردد.

بررسی پیشینه مطالعاتی نشان می‌دهد که این پژوهش‌ها حس مکان و مفاهیم مرتبط با آن همچون هویت مکان و تعلق به مکان را در یک شهر، منطقه یا بافت شهری مورد ارزیابی و

در راستای حس مکان مطالعات متعددی طی سالیان گذشته انجام شده است. با بررسی پیشینه مطالعاتی می‌توان عنوان کرد که بررسی فرایند شکل‌گیری حس مکان، خلأ پژوهش‌های گذشته و نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد. در ادامه به مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با حس مکان که در طی چند سال گذشته انجام گرفته، اشاره می‌گردد.

حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی، محله کلاه‌فرنگی سبزوار را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد به‌جز مؤلفه ارزیابی بیرونی، سایر مؤلفه‌های هویت مکانی در سطح مناسبی قرار دارد و برخلاف تغییراتی که در بافت فیزیکی محله کلاه فرنگی به‌وجود آمده است، ساکنان این محله همچنان احساس هویت مکانی نسبتاً زیادی را تجربه می‌کنند. همچنین مدت اقامت در محله، مالکیت مسکن، تعاملات اجتماعی و احساس امنیت بر هویت مکانی تأثیرگذار است. عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی به سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله قدیمی ساغریسازان رشت پرداخته‌اند. ارزیابی نتایج تحقیق حاکی از وابستگی معنادار ساکنین در واحدهای مسکونی قدیمی، نسبت به آپارتمان‌سازی‌های جدید در محله ساغریسازان است. از جمله علل این قضیه عبارتند از: مشکلات اقتصادی، فرهنگی و زیرساختی موجود در بافت قدیم، یکنواختی محیط و بلندمرتبه‌سازی، کاهش هویت بومی، فقدان حس زندگی جمعی، مهاجرپذیری، فقدان خاطرات جمعی در آپارتمان‌نشینی، عدم انس با محیط و تغییر نگرش مردم به زندگی. مسعود و گلابی (۱۳۹۸)، در پژوهش خود به ارزیابی عوامل مؤثر در ارتقا هویت و حس مکانی بر مبنای تجربه حضور در فضاهای شهری با رویکرد هویت تاریخی در شهر همدان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با تغییرات متنوع در بافت تاریخی همدان همچون ایجاد المان‌ها، مجسمه‌های سنتی، تیرهای چراغ به شکل قدیمی و همچنین بهره‌مندی از مصالح بومی در مرمت بناها از یک‌سو و سنگ‌فرش نمودن میادین و خیابان‌ها و ایجاد مبلمان و نیمکت‌های مناسب از سوی دیگر افزایش حضورپذیری و تعاملات اجتماعی و به تبع ارتقای هویت تاریخی و حس مکان را باعث گردیده است. حبیب‌زاده کوزه‌کنانی و

اشاره به رابطه فرد با محیط و رابطه حسی بین فرد و مکان دارد و مفهومی است که جنبه‌های نمادی و احساسی را دربر می‌گیرد (Erfani, 2020: 2). به عبارتی حس مکان یک ساختار چندبعدی است که اعتقادات، هیجانات و روابط مشترک از رفتارها را در یک جایگاه جغرافیایی خاص نشان می‌دهد (Jorgensen and Stedman, 2001: 234). همچنین می‌توان گفت که شدت حس مکان فرد در نگرش‌ها و رفتار فرد منعکس می‌شود. اینکه چگونه با آن مکان شناخته می‌شود، چه قدر به آن وابسته است و همچنین سطح تعهد و احساسات وی نسبت به مکان چه قدر است (Stedman, 2003: 2). هرچه حس فرد از مکان قوی‌تر باشد، اتصال وی به مکان نیز - بدانگونه که احساس می‌کند - بیش‌تر خواهد بود. بر مبنای دیدگاه صاحب‌نظران، حس مکان دارای سطوح مختلفی است. هیومن پنج گونه حس مکان را معرفی کرده است (Hummon, 1992: 254)، که عبارتند از ریشه‌داری عقیدتی، ریشه‌داری ناخودآگاه، مکان نسبی، بیگانگی با مکان و بی‌مکانی. رلف^۵ نیز برای هر مکان شاخصه و ویژگی خاصی قائل است و آن را به سبب سه نشانه هویت مکانی می‌داند که معرف حس مکان نیز هست، گرچه برای او حس مکان چیزی فراتر از این سه است اما این سه را در ایجاد این حس در مردم تأثیرگذار می‌داند: ۱- ساختار فیزیکی، ۲- فعالیت، ۳- معنا (Carmona and Tiesdell, 2007: 34). از نظر سالواسن حس مکان از تعامل سه عنصر موقعیت، منظر و درهم‌تنیدگی فردی به وجود می‌آید که هرکدام از آنها به تنهایی برای خلق حس مکان کافی نیست. عوامل مختلفی همچون بی‌حوصلگی، یکنواختی ساختمان‌ها و ظهور عصر دیجیتالی تهدیدی برای حس مکان به حساب می‌آید. از نظر او شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، ساکنین، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی؛ اجزای تشکیل‌دهنده حس مکان هستند و در خلق آن مؤثرند (Salvesen, 2002: 2). همچنین می‌توان گفت مهم‌ترین پژوهش در مورد سطوح حس مکان مربوط به شامای^۶ (۱۹۹۱) است. شامای در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان سه مرحله‌ی اصلی حس مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را معرفی و این حس را در هفت سطح طبقه‌بندی می‌کند (طاهر طلوع‌دل و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۰)، که

تحلیل قرار داده‌اند. در این راستا، فرایند شکل‌گیری حس مکان که اصل اساسی در این مباحث (حس مکان، هویت مکان و تعلق به مکان) و نشانگر ابعاد مختلف از حضور فیزیکی صرف و بی‌توجهی به مکان تا دلبستگی و تعهد به مکان بوده، نادیده انگاشته شده است؛ بنابراین پژوهش حاضر با بررسی فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی تبریز به دنبال ارزیابی سطح ادراکات ذهنی شهروندان در این منطقه است.

۳. مبانی نظری

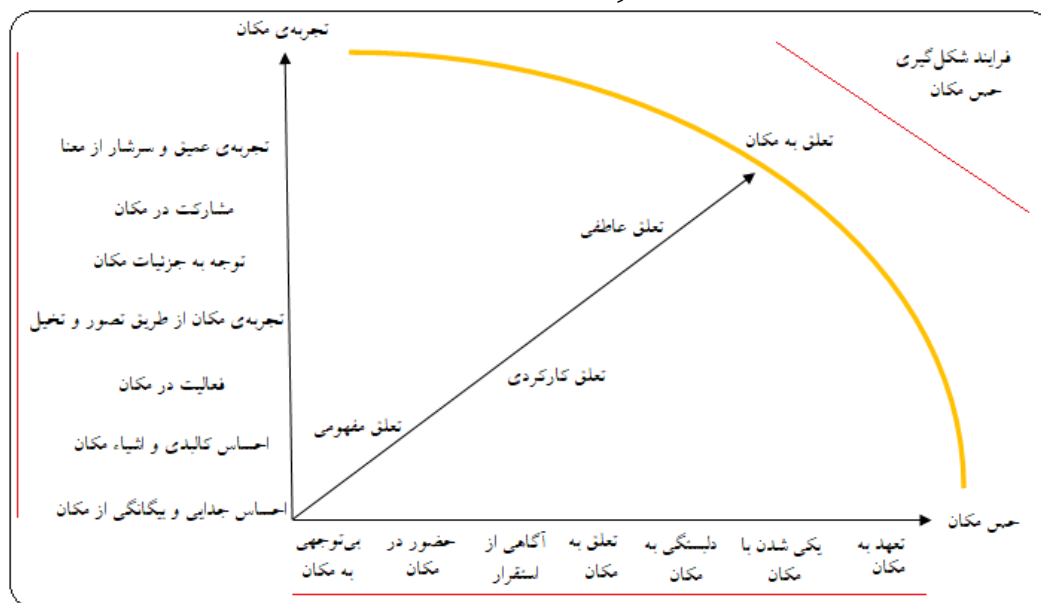
بافت‌های تاریخی و فرهنگی شهرها آثار گران‌بهایی از فرهنگ، دانش معماری و شهرسازی بومی‌اند و به‌عنوان جزئی از هویت اجتماعی هر قوم و کشوری تلقی می‌شوند. در بافت‌های تاریخی به عناصر مادی یا وجه مادی فرهنگ، یا به طور مشخص آنچه که به قول مردم‌شناسان فرهنگ مادی در برابر فرهنگ نامیده می‌شود (آثار مادی و عینی فرهنگ) توجه می‌شود؛ بنابراین مدیریت ترویج و احیای الگوی بافت‌های تاریخی شهرها، مدیریت بخشی از منابع فرهنگی باهدف تعمیق روابط معنوی و ذهنی و نیز هویت‌بخشی به زندگی شهری است (پورا احمد و اکبرنژاد بایی، ۱۳۹۰: ۸۲). همچنین بافت‌های تاریخی واجد ارزش‌های نادر زیبایی‌شناختی، تداوم خاطرات جمعی، هویت‌بخشی شهرها و جزئی از سرمایه‌های فرهنگی هستند. از طرفی بافت‌های تاریخی، واقعیت انکارناپذیر شهرهایی به شمار می‌روند که واجد پیشینه تاریخی هستند. وجود بافت تاریخی متمایز از سایر بافت‌های شهر بر اهمیت و جذابیت آن شهر می‌افزاید و کل بافت تاریخی شهر را به‌عنوان یک جاذبه مطرح می‌کند (Izadi, 2008: 23)؛ بنابراین در راستای احیای بافت‌های تاریخی توجه به زمینه‌های مختلف بافت و ارتقا حس مکان ضروری است.

به‌طور کلی می‌توان عنوان کرد که حس مکان بیانگر این است که مردم هنگام حضور در فضا چیزی فراتر از خصوصیات کالبدی و حسی را درک می‌کنند و می‌توانند به روح مکان دست یابند (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۱؛ میرزامحمدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۰). همچنین حس مکان بدین معناست که مردم تجربیاتی ورای خصوصیات فیزیکی مکان که از طریق حس‌های پنجگانه قابل حصول است، داشته باشند و نوعی حس تعلق به روح مکان پیدا کنند (Carmona, 2006: 27). از طرفی حس مکان

عبارتند از: بی‌توجهی به مکان (بدون احساس و عدم ادراک)، حضور در مکان (احساس مادی و عینی)، آگاهی از استقرار (احساس مادی و ادراک)، تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)، دلبستگی به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری)، یکی شدن با مکان (احساس فرا عینی و ادراک ذهنی) و تعهد به مکان (احساس فرا عینی و ادراک ذهنی). از طرفی بر اساس مفاهیم و دیدگاه‌های مطرح‌شده در راستای حس مکان می‌توان گفت که مؤلفه‌های حس مکان و سطح‌نهایی آن یعنی تعلق مکانی به سه بخش تعلق کارکردی، تعلق عاطفی و تعلق مفهومی قابل تقسیم است (دانش‌پایه و حبیب، ۱۳۹۶: ۱۸) و افزایش حس تعلق مکانی نمودی از تغییر وابستگی کارکردی به مکان در ساکنان به وابستگی عاطفی است. این امر موجب افزایش ماندگاری ساکنان در مکان گردیده و به تبع آن پیشرفت و توسعه مکان را ممکن می‌سازد (حاتمی گلزاری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۳). همچنین می‌توان عنوان کرد که تحقق حس مکان ناشی از تحقق تجربه‌ای عمیق از مکان است که رلف این

تجربه‌ی عمیق و سرشار از معنا را در بالای سطوح تجربه مکان و در سلسله‌مراتب هفت‌گانه از تجربه حضور فرد در یک مکان قرار داده است (Stedman, 2003: 2; Chen et al, 2015: 827). سطوح تجربه مکان در دیدگاه رلف عبارتند از: عرصه بیرونی وجودی (احساس جدایی و بیگانگی از مکان)، عرصه بیرونی هدفمندانه (احساس کالبدی و اشیا مکان)، عرصه بیرونی ضمنی (فعالیت در مکان)، عرصه درونی غیرمستقیم (تجربه مکان از طریق تصور و تخیل)، عرصه درونی رفتاری (توجه به جزئیات مکان)، عرصه درونی همدلانه (مشارکت در مکان) و عرصه درونی وجودی (تجربه عمیق و سرشار از معنا) (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۷).

بنابراین، باتوجه‌به بررسی چارچوب نظری و پیشینه مطالعاتی می‌توان گفت که شکل‌گیری حس مکان ناشی از سطوح‌نهایی تجربه و حس مکان هم‌راستا با تحقق تعلق مفهومی، کارکردی و عاطفی است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق (فرایند شکل‌گیری حس مکان) (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

مؤلفه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق نیز از مدل معادلات ساختاری در نرم‌افزار Amos استفاده شده است. قابل ذکر است که جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان بافت تاریخی شهر تبریز (منطقه ۸ شهرداری) است که حجم نمونه با استفاده از مدل کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده است که نحوه دسترسی بر آنها بر مبنای الگوی

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر آمیخته (کمی - کیفی) باهدف کاربردی و ماهیت تحلیلی - اکتشافی است. در این راستا، ابتدا از طریق مطالعات اسنادی مؤلفه‌های سطوح حس مکان (دیدگاه شامای) و تجربه مکان (دیدگاه رلف) استخراج و سپس از طریق روش پیمایشی و پرسشگری از ساکنان میزان تحقق‌پذیری این

آگاهی از استقرار (احساس مادی و ادراک) A3	عرصه بیرونی ضمنی (فعالیت در مکان) B3
تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری) A4	عرصه درونی غیرمستقیم (تجربه مکان از طریق تصور و تخیل) B4
دلبستگی به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری) A5	عرصه درونی رفتاری (توجه به جزئیات مکان) B5
یکی شدن با مکان (احساس فرا عینی و ادراک ذهنی) A6	عرصه درونی همدلانه (مشارکت در مکان) B6
تعهد به مکان (احساس فرا عینی و ادراک ذهنی) A7	عرصه درونی وجودی (تجربه عمیق و سرشار از معنا) B7

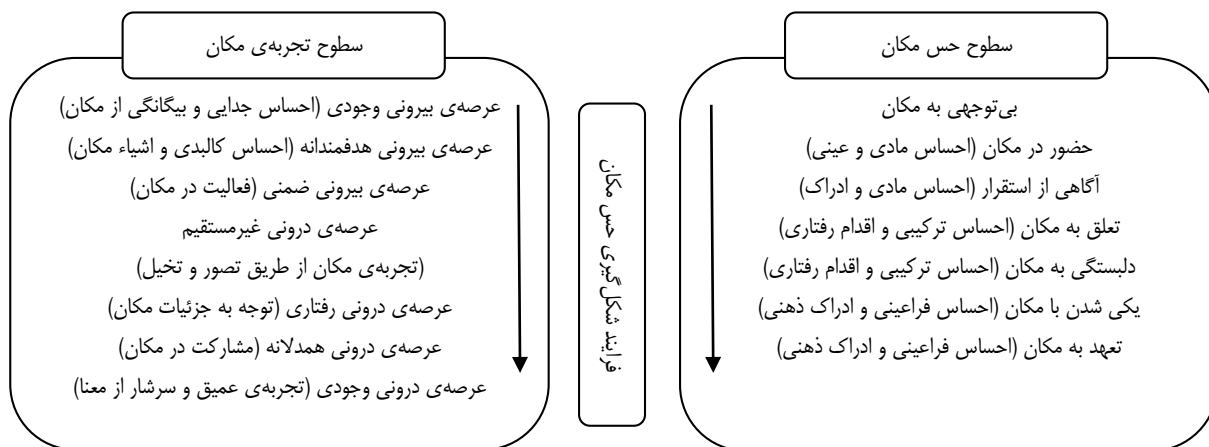
در شکل شماره ۲ نیز، مؤلفه‌های تحقیق (متغیرها) به صورت گرافیکی نمایش داده شده است. در این شکل قابل مشاهده است که فرایند شکل‌گیری حس مکان از سطوح ۷ گانه‌ی سلسله‌مراتبی حس و تجربه مکان یعنی بی‌توجهی و بیگانگی از مکان تا تعهد به مکان و تجربه عمیق و سرشار از معنا قابل ارزیابی است.

تصادفی ساده است. در این تحقیق همچنین به منظور تحلیل و بررسی میزان صحت سؤالات پرسش‌نامه و سنجش سطح مناسبیت ابزار تحلیل، با استفاده از روش تحلیل قابلیت اطمینان ضرایب آلفای سؤالات مطرح شده محاسبه گردیده است. بر اساس محاسبات صورت‌گرفته ارزش آلفای کروناخ تمامی سؤالات پرسش‌نامه بزرگ‌تر از ۰/۷ و همچنین ضریب کل آلفای به‌دست‌آمده ۰/۸۰۳ بوده است. پرسش‌نامه تحقیق حاضر محقق ساخته بر مبنای مؤلفه‌های جدول شماره ۱ و بر اساس دیدگاه شامای و رلف، در قالب ۷ مؤلفه سطوح مکان و ۷ مؤلفه تجربه مکان است.

جدول ۱. مؤلفه‌های سطوح حس و تجربه مکان و کدبندی آنها

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

سطوح حس مکان	سطوح تجربه مکان
بی‌توجهی به مکان A1	عرصه بیرونی وجودی (احساس جدایی و بیگانگی از مکان) B1
حضور در مکان (احساس مادی و عینی) A2	عرصه بیرونی هدفمندانه (احساس کالبدی و اشیا مکان) B2



شکل ۲. مؤلفه‌های تحقیق (فرایند شکل‌گیری حس مکان) (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

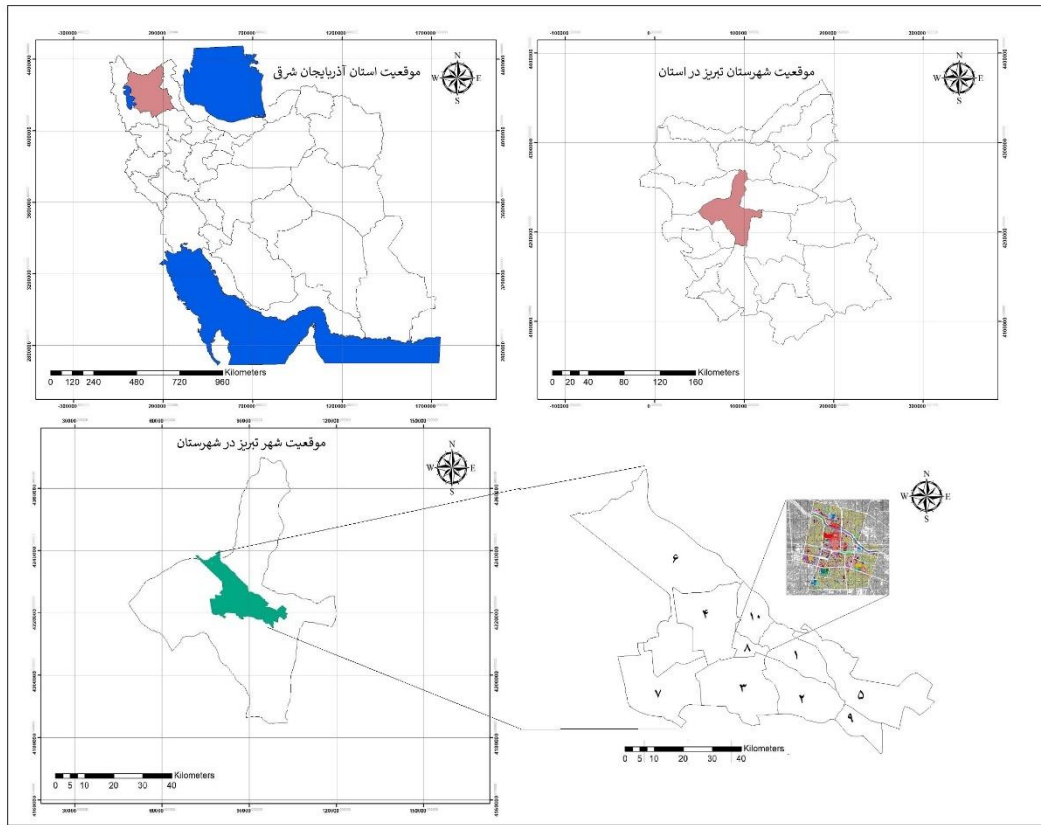
۵. معرفی محدوده‌ی مورد مطالعه

اصفهان، کرج و شیراز محسوب می‌شود. محدوده‌ی بافت قدیمی و تاریخی کلان‌شهر تبریز، قدیمی‌ترین قسمت شهر (اغلب قبل از ۱۳۰۰ شمسی) را تشکیل می‌دهد. بافت قدیم و تاریخی عمدتاً خودانگیخته و خودسازمان‌یافته بوده و دارای ساختارهای همپوند و اندامواره‌ی (ارگانیک) است. شهر ابتدا در درون این محدوده شکل گرفته و روبه تکامل گزرده است. از این‌رو، این محدوده دربرگیرنده‌ی یادمان‌ها و نمادهای تاریخی شهر نیز است. مشخصه‌ی عمده‌ی آن مرکزیت تاریخی، تجاری، اداری، تفریحی و نظایر آن در سطح شهر است. وجود

تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی یکی از شهرهای بزرگ ایران است و بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور بوده و همچنین قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. شهر تبریز در ۴۱ درجه و ۲۵ دقیقه‌ی طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه‌ی عرض شمالی از نصف‌النهار مبدأ واقع شده است و ارتفاع متوسط آن از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۳۴۰ متر است. همچنین این شهر ششمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد،

سواره، پیکر شهر را درنوردیدند، تعریف گردید. به عبارت بهتر، وجود بافت قدیم و تاریخی با مداخلات شهرسازی مدرن معنا و مفهوم یافت. مساحت این نوع بافت در منطقه ۸ شهرداری تبریز ۳/۸۸ کیلومترمربع با جمعیتی بالغ بر ۲۹۳۸۴ نفر بوده است.

مجموعه‌ی صاحب‌الامر، مسجد جامع و بازار که استخوان‌بندی شهر را تشکیل داده، بیانگر اهمیت و نقش این محدوده در انعکاس هویت و تاریخ شهر است. این بافت از آن موقعی که اولین خیابان‌ها به‌منظور تأمین عبور و مرور وسایط نقلیه‌ی



شکل ۲. موقعیت بافت تاریخی شهر تبریز در منطقه ۸ شهرداری (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

۶. بحث و یافته‌ها

برای این رابطه و سپس صورت کلی و نهایی آن مورد بررسی قرار گرفته است. ارتباط ساختاری جزئی یا درونی به ارزیابی ارتباط ساختاری ناشی از میزان متغیرهای سطوح و تجربه مکان به‌عنوان متغیر مستقل و تحقق فرایند حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به‌عنوان متغیر وابسته بوده که برای ورود به بحث کلی و نهایی ابتدا مورد آزمون جداگانه قرار گرفته است.

به‌منظور شناسایی سطوح حس و تجربه مکان (فرایند شکل‌گیری حس مکان) در بافت تاریخی شهر تبریز از نرم‌افزار مدل‌سازی معادلات ساختاری Amos گرافیک استفاده شده است. در این راستا، ابتدا ارتباط ساختاری جزئی بین متغیرها

جدول ۲. تحلیل پایایی تبیینی متغیرهای مستقل و وابسته در مدل‌سازی معادلات ساختاری (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

متغیرها	CR	AVE	CA	فرایند شکل‌گیری حس مکان	A	B
فرایند شکل‌گیری حس مکان	۰/۷۳	۰/۶۲۴	۰/۷۷	۰/۷۳۶	-	-
سطوح حس مکان (A)	۰/۷۵	۰/۶۴۱	۰/۷۴	**۰/۶۲۸	۰/۷۱۹	-
سطوح تجربه مکان (B)	۰/۷۶	۰/۶۵۹	۰/۷۱	**۰/۶۰۳	*۰/۵۸۴	۰/۷۰۱

**p < 0.01; *p < 0.05.

پایایی ترکیبی (CR)^۷ و ضریب پایایی (CA)^۸ به‌دست‌آمده بیش از ۰/۷ و میزان میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)^۹

ورود عوامل تبیین‌کننده ارتباط ساختاری برای تحلیل فرایند حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز نشان می‌دهد میزان

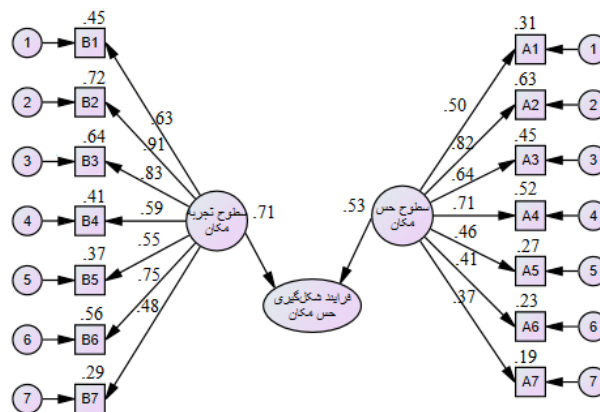
که در قطر خطی جدول شماره ۲ مشخص شده است بیش از ۰/۶ است. همچنین همبستگی متغیرهای تحقیق که با رنگ تیره مشخص گردیده است در بازه ۰/۷۰ تا ۰/۷۴ بوده که ورود

جدول ۳. آماره‌ی ساختار عاملی تأییدی ارتباط ساختاری متغیرهای مستقل و وابسته (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

متغیرها	χ^2	df	P	χ^2/df	CFI	IFI	RMSEA
فرایند شکل‌گیری حس مکان	۸۷۳/۲۴	۳۸۳	۰/۰۰۱	۲/۲۸	۰/۹۲۱	۰/۹۳۶	۰/۰۳
سطوح حس مکان (A)	۸۴۶/۴۳	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۲۱	۰/۹۳۹	۰/۹۴۴	۰/۰۵
سطوح تجربه مکان (B)	۸۱۵/۷۹	۳۸۳	۰/۰۰۰	۲/۱۳	۰/۹۲۵	۰/۹۱۷	۰/۰۲

شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین شده هرچه به سمت ۱ میل کنند برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها قابل قبول به دست آمده است. شاخص ریشه‌ی دوم میانگین مربعات خطای برآورد یا RMSEA نیز آخرین سنج‌ی ساختارشناسی در این مرحله است که در الگوهای قابل قبول مقدار ۰/۰۸ یا کمتر دارد. برازش الگوهایی که مقادیر بالاتر از ۰/۱ دارند، ضعیف برآورد می‌شوند. همان‌طور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود، مقدار این شاخص برای الگوی اندازه‌گیری کمتر از ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب الگوها، توسط داده‌ها است. در نهایت، باتوجه به مطالب یادشده می‌توان نتیجه گرفت الگوهای اندازه‌گیری برازش خوبی دارند و به این معناست که متغیرهای آشکار به خوبی می‌توانند متغیرهای پنهان را اندازه‌گیری کنند.

مهم‌ترین سنج‌های شکل‌دهنده آماری در ساختار عاملی تأییدی سنج‌ی‌ی دو یا کای اسکوتر (χ^2) نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی، شاخص برازش تطبیقی 10 (CFI) و شاخص برازش افزایشی 11 (IFI) و در نهایت ریشه‌ی میانگین مربعات تقریبی 12 (RMSEA) است. این سنج‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به دست آمده می‌پردازد. به علت متورم شدن میزان کای اسکوتر در نمونه‌های تحلیلی، اکثر تحلیل‌گران از نسبت کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل شده برای شناسایی ساختار را به دست می‌دهد. مقدار این نسبت باید ترکیب نیمی از داده‌ها را دربر گیرد. به دیگر سخن نباید کمتر از دو باشد تا بتوان به معناداری داده‌های به کار رفته اطمینان داشت. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی دو متغیر شناسایی شده در این سنج‌ها نشان از قابل قبول بودن آن دارد.



شکل ۳. معماری ساختار ارتباطی مؤلفه‌های سطوح حس و تجربه مکان بر فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز

(مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

همچنین در بین متغیرهای تجربه مکان بیشترین تحقق‌پذیری مربوط به متغیرهای عرصه بیرونی هدفمندانه (احساس کالبدی و اشیا مکان) و عرصه بیرونی ضمنی (فعالیت در مکان) به ترتیب

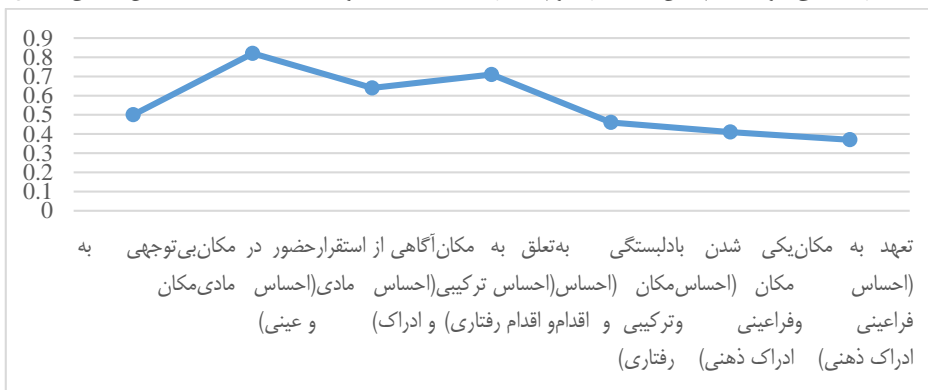
بر اساس نتایج به دست آمده در فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز میزان تحقق‌پذیری سطوح تجربه مکان و سطوح حس مکان به ترتیب برابر با ۰/۷۱ و ۰/۵۳ بوده است.

از ۰/۰۵ برای مقدار P حاکی از تفاوت معنادار مقدار محاسبه‌شده برای وزن‌های رگرسیونی با مقدار صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان است. بر اساس نتایج مدل، مقدار بحرانی برای متغیرهای سطوح تجربه مکان ۲/۴۵ در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است که نشان از تحقق نسبی متغیرهای سطوح تجربه مکان در فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز دارد. همچنین مقدار بحرانی متغیرهای سطوح حس مکان ۰/۹۵ محاسبه شده که نشان از عدم تحقق‌پذیری متغیرهای سطوح حس مکان در فرایند شکل‌گیری حس مکان داشته است.

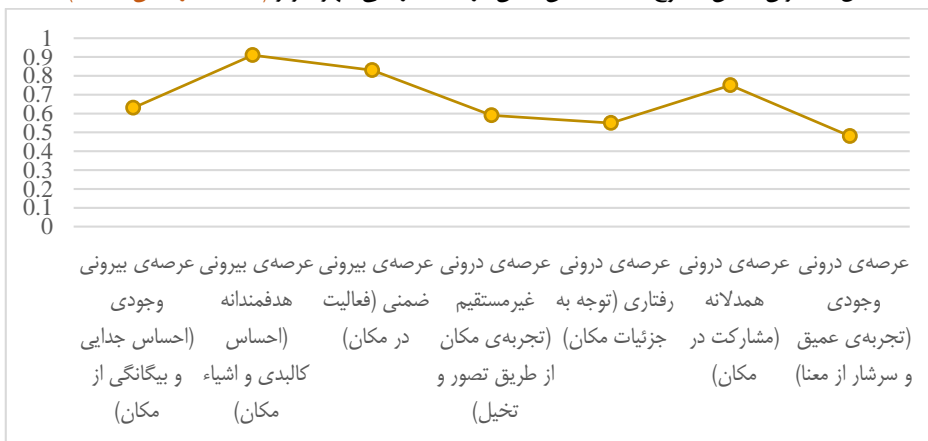
در شکل‌های ۴ و ۵ میزان سطوح مختلف حس و تجربه مکان در بافت تاریخی شهر تبریز مشخص است. در دیدگاه‌های ارائه‌شده (شامای و رلف) بایستی از سمت چپ به راست نمودار حالات صعودی داشته باشد تا حس مکان شکل بگیرد.

با ضریب ۰/۹۱ و ۰/۸۳ و در بین متغیرهای حس مکان مربوط به متغیرهای حضور در مکان (احساس مادی و عینی) و تعلق به مکان (احساس ترکیبی و اقدام رفتاری) به ترتیب با ضریب ۰/۸۲ و ۰/۷۱ بوده است. همچنین نتایج حاکی از آن است که سطوح نهایی حس و تجربه مکان در بافت تاریخی شهر تبریز تحقق نیافته و در فرایند حس مکان محدوده‌ی مورد مطالعه در سطوح ابتدایی یعنی احساس کالبدی و حضور در مکان و همچنین تاحدودی سطوح میانی یعنی فعالیت در مکان و تعلق به مکان قرار دارد.

در نهایت، پس از بررسی و تأیید الگوهای اندازه‌گیری برای آزمون معناداری فرضیه‌ها دو شاخص جزئی مقدار بحرانی و P به کار گرفته شده است. بر اساس سطح معناداری ۰/۰۵ مقدار بحرانی می‌بایست بیشتر از ۱/۹۶ باشد، مقدار پارامتر کمتر از این در الگو، با اهمیت شمرده نمی‌شود. همچنین، مقادیر کوچک‌تر



شکل ۴. میزان تحقق سطوح مختلف حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)



شکل ۵. میزان تحقق سطوح تجربه مکان در بافت تاریخی شهر تبریز (مأخذ: نگارندگان، ۱۴۰۲)

بر اساس نتایج می‌توان گفت که نهایتاً تا سطح متوسط حس و تجربه مکان در بافت تاریخی شهر تبریز شکل یافته است و فرایند موجود شکل‌گیری حس مکان در سطوح نهایی در شهروندان کمی قابل مشاهده است. همچنین دلایل مختلفی بر عدم تحقق‌پذیری حس مکان در بافت تاریخی تبریز تأثیرگذارند که از جمله مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

شهروندان کمی قابل مشاهده است. همچنین دلایل مختلفی بر عدم تحقق‌پذیری حس مکان در بافت تاریخی تبریز تأثیرگذارند که از جمله مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

هدف از حضور در مکان بیشتر ناشی از فعالیت در آن است. همچنین در بین شهروندان بافت مشارکت در فعالیت‌های مختلف، حس عمیق مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به آن کمتر نمود عینی یافته است. از این رو می‌توان گفت فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی تبریز دارای وضعیتی مطلوبی نبوده و سطوح نهایی حس و تجربه مکان در تعداد معدودی از شهروندان تحقق یافته است. به عبارتی می‌توان عنوان کرد فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز از منظر ابعاد حسی و تجربه‌ای در سطوح اولیه آن متوقف شده و یکی شدن با بافت، تعهد به آن، مشارکت در آن و تجربه عمیق و سرشار از معنای بافت به ندرت از طریق شهروندان قابل حس است. دلایل متعدد مدیریتی، اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و... در این امر دخیل است و نیاز است برنامه‌های بازآفرینی بافت تاریخی شهر تبریز بیشتر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان را مدنظر قرار دهند.

همچنین نتایج تحقیق حاضر تأییدی از پژوهش‌های عنانهاد و همکاران (۱۳۹۸) و گورگیل و همکاران (۲۰۱۷) در راستای نامطلوبی مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان در مناطق تاریخی و متضاد با پژوهش‌های حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۸) و مسعود و گلابی (۱۳۹۸) یعنی مطلوبیت حس مکان در مناطق تاریخی است. از طرفی نوآوری پژوهش حاضر که بررسی سطوح حس و تجربه مکان است می‌تواند مدیران و برنامه‌ریزان شهری را در راستای ارتقا ابعاد مختلف بافت تاریخی تبریز یاری‌رسان باشد.

به‌طور کلی باتوجه به نتایج مستخرج از پرسشگری و مشاهدات میدانی می‌توان راهکارهای زیر را به‌منظور تحقق سطوح نهایی حس و تجربه مکان در فرایند شکل‌گیری حس مکان در بافت تاریخی شهر تبریز به کار بست:

- باتوجه به اینکه حس مکان در بستری از بی‌توجهی تا تعهد به مکان و مشارکت در آن شکل می‌یابد، از این رو ضروری است تا با ایجاد سازوکاری به حفظ ساکنان اصیل و بومی بافت تاریخی اقدام نموده و همچنین جلوگیری از ورود افراد جدید به منطقه جلوگیری به عمل آید. همچنین باتوجه به سختی کنترل جابه‌جایی‌های جمعیتی نیاز است با ارائه برنامه‌های مختلف در آیین‌های مذهبی و سنتی برای

✓ مدیریت: مدیریت بافت تاریخی شهر تبریز بیشترین تمرکز خود را در بعد کالبدی و احیای هویت گذشته بافت با احداث المان‌ها، مرمت بناهای فرهنگی و تاریخی و سنگ‌فرش نمودن معابر گذاشته و ساماندهی اجتماعی - فرهنگی، عملکردی - فضایی و اقتصادی بافت در اغلب اوقات نادیده انگاشته شده است.

✓ اجتماعی - جمعیتی: فرسودگی بافت مرکزی و تاریخی شهر تبریز و جابه‌جایی جمعیت قدیمی این بافت به سمت توسعه‌های جدید شهر موجب جایگزین شدن جمعیت جدید در این بافت و عدم درک، حس و تجربه مناسب مکان توسط آنها شده است. همچنین هویت مکانی و خاطره‌آمیزی در جمعیت جدید قابل مشاهده نخواهد بود؛ بدان دلیل که هیچ‌گونه شناخت و تجربه‌ای از گذشته بافت ندارند. از طرفی گسست اجتماعی و فرهنگی بین ساکنان جدید و قدیمی به ندرت شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین مشارکت در امور مختلف را فراهم خواهد ساخت.

✓ فضایی - عملکردی: تأکید بر نقش تجاری منطقه و بافت در اکثر اوقات باعث گردیده تا شکل‌گیری فضاها و بسترهای اجتماعی در اکثر برنامه‌ها نادیده گرفته شود. همچنین توجه بیش از اندازه به حمل‌ونقل موتوری باعث شده است حیات جمعی بافت و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی با مشکل مواجه باشد.

۷. نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین ویژگی‌های حیات جمعی در فضاهای شهری، مکان‌مندی، حس مکان و تعلق داشتن به مکان است. حس مکان و احساس تعلق به آن موجبات شکل‌گیری روابط پیچیده فرد با مکان می‌گردد. در این راستا ضروری است تا هدف از برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری تقویت مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس مکان باشد. متأسفانه در فضاهای شهری امروز میزان حس مکان به طور قابل‌توجهی کاهش یافته است و طراحی این فضاها بیشتر در بعد کمی و کالبدی و ارزش‌های اقتصادی نمود یافته است. با بررسی‌های صورت‌گرفته در بافت تاریخی تبریز نیز مشخص گردیده که در اکثر شهروندان بافت احساس بیگانگی از مکان و بی‌توجهی به آن وجود داشته و

- ساکنان بافت به شکل‌گیری روابط و تعاملات اجتماعی گسترده دست‌یافت.
- در طراحی‌ها و برنامه‌های بازآفرینی بافت بایستی ایجاد فضاهای عمومی مناسب برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی با در نظر گرفتن مقیاس انسانی در طراحی‌ها، ارتقای قابلیت فضاها برای حضور همه اقشار و امکان انجام فعالیت‌های اجتماعی و تمایل به مشارکت در بین ساکنان مورد توجه قرار گیرد.
- توجه بیشتری به معماری و طراحی بناهای مختلف بافت صورت گیرد تا ضمن جلوگیری از بی‌هویت در ساختار
- معماری بافت، ارزش‌های سنتی و تاریخی در آنها رعایت گردد.
- از حمل‌ونقل موتوری در بافت و معابر آن جلوگیری به عمل آید.
- همچنین نیاز است برنامه‌های بازآفرینی بافت با تأکید بر مشارکت جمعی از طریق ایجاد رویکرد تسهیل‌گری و همچنین شکل‌گیری تعامل نهادی و مدیریت یکپارچه بافت باهدف حفظ هویت تاریخی - فرهنگی از طریق ارتقای نمادها و نشانه‌ها، تحقق تعاملات اجتماعی و تأکید بر سنت‌ها و ارزش‌ها شکل یابد.

Cronbach's Alpha ۸

Average Variance Extracted ۹

Comparative Fit Index ۱۰

Incremental Fit Index ۱۱

Root-Mean-Square-Error of ۱۲

Approximation

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی برای اعلام ندارند.

پی‌نوشت

۱. Gorgul

۲. McCunn and Gifford

۳. Gamba and Cattacin

۴. Kim

۵. Relph

۶. Shamai

۷. Composite Reliabilities

منابع

- پرتوی، پروین (۱۳۹۲)، پدیدارشناسی مکان، تهران: انتشارات متن.
- پوراحمد، احمد، اکبرنژاد بایی، رمضان (۱۳۹۰)، هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل SWOT (نمونه موردی: بافت تاریخی شهر بابل)، فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره ۳، شماره ۹، صص ۱۰۷-۸۱ <https://www.sid.ir/paper/175724/fa>
- حاتمی گلزاری، الهام، میرزا کوچک خوشنویس، احمد، بایزیدی، قادر، حبیبی، فؤاد (۱۳۹۹)، بررسی کیفی ماندگاری معماری مجموعه بازار تبریز از منظر پدیدارشناسی، نشریه اندیشه‌ی معماری، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۸۸-۱۷۲ <https://doi.org/10.30479/at.2019.11447.1304>
- حبیب‌زاده کوزه‌کنانی، سید جواد، عبدالله‌زاده طرف، اکبر، ستاری ساربانقلی، حسن، پاکدل فرد، محمدرضا (۱۴۰۱)، تحلیلی بر عوامل تبیین‌کننده حس مکان در بافت‌های تاریخی (موردپژوهی: شهر تبریز)، معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۱۰۶-۹۵ <https://doi.org/10.22061/jsaud.2022.8440.1969>
- حسین‌آبادی، سعید، سلمانی مقدم، محمد، نوری دشتبان، مریم (۱۳۹۸)، هویت مکانی و عوامل مؤثر بر آن در محلات قدیمی، نمونه‌ی مطالعه: محله کلاه‌فرنگی سبزوار، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۱۱۰-۸۹ <https://doi.org/10.22108/sppl.2019.81525.0>
- دانش‌پایه، نثار، حبیب، فرح (۱۳۹۶)، معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری، مطالعه موردی: منطقه ۲۲ و ۴ شهرداری تهران، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۳۰-۱۷ <https://doi.org/10.34785/J011.2018.021>

- سالاری پور، علی‌اکبر، رمضانی، حمیدرضا، زالی، نادر، صفای کارپور، مریم (۱۳۹۷)، بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی - اسلامی و نقش آن در دل‌بستگی به مکان، مطالعه موردی: محله ساغریسازان شهر رشت، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی - اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۴، صص ۳۵-۴۷.
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1517101/>
- سرمست، بهرام (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل نقش «مقیاس شهر» در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۴۶-۱۳۳.
<https://www.sid.ir/paper/92177/fa>
- طاهر طلوع‌دل، محمدصادق، مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، سادات، سیده اشرف (۱۳۹۹)، تأثیر مؤلفه‌های معنایی، رفتاری و کالبدی حس مکان در رضایتمندی سکوتی، فصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۸۲.
<https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.5756.1556>
- عنانهاد، محمود، غلامعلی‌زاده، حمزه، اسدی ملک‌جهان، فرزانه (۱۳۹۸)، سنجش حس تعلق به مکان و حفظ هویت واحدهای مسکونی در محله شهری، مطالعه موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت، فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۷۳-۸۸.
<https://doi.org/10.30473/grup.2019.5645>
- قلعه‌نویی، محمود، زمانی، بهادر، پیمان فر، سپیده (۱۳۹۶)، فراتحلیل مطالعات دل‌بستگی به مکان، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۱۶، شماره ۴۸، صص ۸۷-۹۸.
<https://www.sid.ir/paper/522398/fa>
- کاملی، محسن، عظمتی، حمیدرضا (۱۴۰۰)، بررسی میزان ارتباط حس تعلق به مکان و سطح امنیت اجتماعی شهروندان، مطالعه موردی: شهر قم، فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۲۱، شماره ۶۱، صص ۲۴۱-۲۵۸.
<http://jgs.khu.ac.ir/article-1-3413-fa.html>
- مسعود، علیرضا، گلایی، سعیده (۱۳۹۸)، ارزیابی عوامل مؤثر در ارتقا هویت و حس مکانی بر مبنای تجربه حضور در فضاهای شهری با رویکرد هویت تاریخی در شهر همدان، نشریه معماری سبز، دوره ۵، شماره ۱۴، صص ۱۳-۲۴.
<https://www.magiran.com/paper/1978301/>
- میرزاحمدی، احمد، باقرزاده کثیری، شهره، زینالی عظیم، علی (۱۳۹۸)، تحلیل طراحی و معماری مجتمع مسکونی پایدار با تاکید بر روان‌شناسی محیطی از بعد حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: برج‌های آسمان تبریز)، نشریه اندیشه معماری، دوره ۴، شماره ۸، صص ۱۰۵-۱۱۹.
<https://doi.org/10.30479/at.2020.11262.1278>
- Ananahad, M., Golamalizade, H., & Asadi MalekJahan, F. (2019). Measure the sense of belonging to the place and protect the identity of residential units in the urban area. Case study: Old Quarter of Saghrysazan Rasht. *Journal of Urban Ecological Research*, 10(19), 73-88. [In Persian] <https://doi.org/10.30473/grup.2019.5645>
- Brocato, E. (2006). Place attachment: An investigation of environmental and outcomes in a service context. Doctoral Thesis, University of Texas.
- Carmona, M. (2006). *Public Places, Urban Spaces*. Architectural press, Elsevier, Oxford.
- Carmona, M., & Tiesdell, S. (2007). *Urban Design Reader*. Architectural Press, Oxford.
- Chaskin, R., Khare, A., & Joseph, M. (2012). Participation, deliberation, and decision making: The dynamics of inclusion and exclusion in mixed-income developments. *Urban Affairs Review*, 48(6), 863-906. <https://doi.org/10.1177/1078087412450151>
- Chen, N., Dwyer, L., & Firth, T. (2015). Effect of dimensions of place attachment on residents' word-of-mouth behavior. *Tourism Geographies*, 16, 826-843. <https://doi.org/10.1080/14616688.2014.915877>
- Cresswell, T. (2014). *Place: A short introduction*. Malden, MA: Blackwell Publishing.

- Daneshpayeh, N., & Habib, F. (2017). The main factors affecting the formation of a sense of place in the new urban development zones (Case Study: Region No.22 & Region No.4 of Tehran Municipality). *Motaleate Shahri*, 7(25), 17-30. [In Persian] <https://doi.org/10.34785/J011.2018.021>
- Erfani, G. (2020). Sense of place as an investigative method for the evaluation of participatory urban redevelopment. *Cities*, 99, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102648>
- Gamba, F., & Cattacin, S. (2021). Urbans rituals as spaces of memory and belonging: A Geneva case study. *City, Culture and Society*, 24, 1-10. <https://doi.org/10.1016/j.ccs.2021.100385>
- Ghalenoui, M., Zamani, B., & Peymanfar, S. (2017). Meta-analysis of place attachment studies. *Urban Management*, 16(48), 87-98. [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/522398/fa>
- Gorgul, E., Luo, L., Rivera, C.R., Jesseph, B.A.H., & Hamel, J. (2017). Fostering a more 'cultured' city through inclusion: Metrics for sense of belonging for migrants in Chinese urban areas. *Procedia Engineering*, 198, 511 - 516. <https://doi.org/10.1016/j.proeng.2017.07.105>
- Habibzadeh kouzekonani, S.J., Abdollahzade Taraf, A., Sattari Sarbangholi, H., & Pakdel Fard, M.R. (2022). An Analysis of the Factors Explaining the Sense of Place in Historical Textures (Case Study: Tabriz). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 10(2), 95-106. [In Persian] <https://doi.org/10.22061/jsaud.2022.8440.1969>
- Hatami Golzari, E., Mirza kouchak khoshnevis, A., & Bayzidi, G., & Habibi, F. (2020). Qualitative investigation of architectural durability implications of Tabriz Bazaar complex from the phenomenology aspect. *Journal of Architectural Thought*, 4(7), 172-188. [In Persian] <https://doi.org/10.30479/at.2019.11447.1304>
- Hosseinabadi, S., Salmanimoghaddam, M., & Nori Dashtban, M. (2019). Spatial identity and its effective factors in old neighborhoods Study sample: Sabzevar Pergola neighborhood. *Spatial planning*, 9(34), 89-110. [In Persian] <https://doi.org/10.22108/sppl.2019.81525.0>
- Hummon, D. (1992). *Community Attachment: Local Sentiment and Sense of Place*. Place Attachment, Plenum, New York.
- Izadi, M.S. (2008). *A Study on City Center Regeneration: A comparative analysis of two different approaches to the revitalization of historic city centers in Iran*. PhD thesis. School of Architecture, Planning and Landscape, Newcastle University.
- Jorgensen, B.S., & Stedman, R. (2001). Sense of Place as an Attitude: Lakeshore Property Owners' Attitudes toward their Properties. *Journal of Environmental Psychology*, 21(3), 233-248. <https://doi.org/10.1006/jevp.2001.0226>
- Kameli, M., & Azemati, H. (2021). Investigating the relationship between the sense of belonging to the place and the level of social security of citizens - Case study: Qom. *Journal of Applied researches in Geographical Sciences*, 21(61), 241-258. [In Persian] <http://jgs.khu.ac.ir/article-1-3413-fa.html>
- Kim, H., Kim, H., & Woosnam, K.M. (2023). Considering urban regeneration policy support: Perceived collaborative governance in cultural heritage-led regeneration projects of Korea. *Habitat International*, 140, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2023.102921>
- Lee, T.H., & Shen, Y.L. (2013). The Influence of Leisure Involvement and Place Attachment on Destination Loyalty: Evidence from Recreationists Walking Their Dogs in

- Urban Parks. *Journal of Environmental Psychology*, 33(3), 76- 85. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2012.11.002>
- Madgin, R., Bradley, L., & Annette H. (2016). Connecting Physical and Social Dimensions of Place Attachment: What Can We Learn from Attachment to Urban Recreational Spaces? *Journal of Housing and the Built Environment*, 31(4), 677-693. <https://doi.org/10.1007/s10901-016-9495-4>
 - Massoud, A.R., & Golabi, S. (2019). Evaluation of effective factors in promoting identity and sense of place based on the experience of being in urban spaces with the approach of historical identity in Hamedan city. *Green Architecture Journal*, 5(14), 13-24. [In Persian] <https://www.magiran.com/paper/1978301/>
 - McCunn, L.J., & Gifford, R. (2018). Spatial navigation and place imageability in sense of place. *Cities*, 74, 208–218. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.12.006>
 - Mirzamohammadi, A., Bagherzadeh Kasiri, S., & Zeynaly Azim, A. (2019). Design and Architecture Analysis of Sustainable Residential Complex with Emphasis on Environmental Psychology from the Sensibility of Place (Case Study: Tabriz Aseman Towers). *Journal of Architectural Thought*, 4(8), 105-119. [In Persian] <https://doi.org/10.30479/at.2020.11262.1278>
 - Partovi, P. (2012). *Phenomenology of Place*. Tehran, Matn Publications. [In Persian]
 - Pourahmad, A., & Akbarnejad Bayi, R. (2011). The pyramid of re-creating the urban historical context using the SWOT model (case example: the historical context of the city of Babol). *Zagros Perspective Geography and Urban Planning Quarterly*, 3(9), 107-81. [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/175724/fa>
 - Salaripour, A.A., Ramezani, H.R., Zali, N., Safai Karpour, M. (2017). Investigating the quality of neighborhood relations within the Iranian-Islamic neighborhood and its role in place attachment, Case study: Saghrisazan neighborhood of Rasht city. *Iranian-Islamic city studies*, 9(34), 35-47. [In Persian] <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1517101/>
 - Salvesen, D. (2002). *The Making of Place*. Research on Place and Space Website. 20 Feb.
 - Sarmast, B. (2010). Investigating the role of "city scale" in the sense of belonging to the place (Case study: Tehran). *Urban Management*, 26, 133-146. [In Persian] <https://www.sid.ir/paper/92177/fa>
 - Seamon, D., & Gill, H.K. (2016). Qualitative approaches to environment-behavior research. *Research Methods for Environmental Psychology*, 115, 29-36. <https://doi.org/10.1002/9781119162124.ch7>
 - Stedman, R.C. (2003). Sense of place and forest science: toward a program of quantitative research. *Forest Science*, 49, 1-8. <https://doi.org/10.1093/forestscience/49.6.822>
 - Taher Tolodel, M. S., Mahdinezhad, J., & Sadat, S. A. (2020). The Effect of Mental, Behavioral and Physical Factors of Sense of Place on Residential Satisfaction. *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 8(1), 165-182. [In Persian] <https://doi.org/10.22061/jsaud.2020.5756.1556>.

**An analysis of the process of forming a sense of place in historical textures
(case study: district 8 of the municipality in Tabriz)**

Seyed javad Habibzadeh kouzekonani¹, Akbar Abdollahzade Taraf^{2*},
Hassan Sattari Sarbangholi³, Mohammadreza pakdel Fard⁴

(Receive Date: 05 June 2024 Revise Date: 16 September 2024 Accept Date: 27 October 2024)

Research Article

Abstract

Introduction: The sense of place finds a decisive role through the connection between man and the environment and in order to benefit and sustain the presence of man in the place and makes man consider himself a part of the place. So, the sense of place refers to the person's relationship with the environment and the sensory relationship between the person and the place, and in the process of its formation, various sensory and experiential levels and aspects of the place, from physical presence and feeling to commitment and participation in the place, are influential. In this regard, considering the importance of realizing the sense of place in different urban spaces and achieving the ultimate levels of the sense and experience of place, the purpose of this research is to investigate and analyze the level (sensory and experiential) of the process of forming a sense of place in the historical texture of Tabriz city.

Methodology: The research method in the present study is mixed (quantitative-qualitative) with practical purpose and analytical-exploratory nature, in order to analyze the research data, the structural equation model was used in Amos software. It should be mentioned that the research community also includes the residents of the historical texture of Tabriz city (district 8 of the municipality) and the sample size is 384 people using Cochran's model.

Results: The findings of the research indicate that by examining the levels of the sense and experience of place in the historical context, it is clear that the process of forming the sense of place in this range is stopped in the middle parts and the final levels of the sense and experience of the place means becoming one with the place, commitment to the place, Participating in a place is a deep and meaningful experience rarely realized in citizens. Also, the results of the structural model indicate that the levels of experience of place with a critical value of 2.45 have relative realization at the 95% confidence level, while the levels of sense of place with a critical value of 0.95 indicate the non-realization of its levels and components. On the other hand, it has been determined with the investigations carried out in the historical texture of Tabriz that most of the citizens of the context have a feeling of alienation from the place and disregard for it, and the purpose of being in the place is mostly due to the activity in it. Also, among the citizens, participation in various activities, a deep sense of place, attachment to the place and commitment to it have been less concretely expressed.

Conclusion: It can be said that in the process of forming the sense of place in the historical texture of Tabriz is not in a favorable state and the final levels of the sense and experience of the place have been realized in a small number of citizens. Many administrative, social, economic, physical, etc. reasons are involved in this matter, and it is necessary to consider the regeneration programs of the historical texture of Tabriz city more of the components that explain the sense of place.

Conflict of interest: None declared.

Keywords: Mental perception, Experience of place, Historical texture, Structural equation, Tabriz city

¹ Ph.D. Student, Department of Urbanism, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

² Assistant professor, Department of Urbanism, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author).
taraf_1981@iaut.ac.ir

³ Associate Professor, Department of Urbanism, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

⁴ Assistant professor, Department of Urbanism, Tabriz branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.